

متن پرسش

سلام علیکم: در بررسی که درباره مولوی در اندیشه امام و آقا و علامه جعفری داشتم در عین اینکه به تمجید از این ظرافت و زلال معارف و حکمت مولوی و اینکه افق متعالی انسانی و وجودی را مقابل بشر می‌گشاید تا در ساحت معنوی و حضور باشد و اینها از بزرگواری این شخصیت است، ولی چندین بار به صراحت می‌گویند که دیدگاه‌های تصوف تا حدودی در اندیشه مولوی رسوخ پیدا می‌کند و مشهوده و نمی‌توان این را انکار کرد و قطعاً مبانی نظری و عملی تصوف مورد نقد جدی است و اینجا هم اختلافات و مواردی با مولوی در اثر تاثیر پذیری از تصوف پیش می‌آید. سوالم این است مولوی چه میزان از صوفیه تاثیر پذیرفته که چنین شخصیت‌های بزرگواری که به عظمت مثنوی قائل اند و حتی معتقدند می‌تواند تفسیر منظوم قرآن باشد، درباره گرایش‌های صوفیانه خود نقد دارند و آن را می‌پذیرند و در مقابلش بحث انتقادی دارند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مهم آن است که از چه زاویه‌ای جناب مولوی را بنگریم. ممکن است بعضی حرکات ایشان را صوفیانه دید. ولی می‌شود طور دیگر هم به آن نگریست. بنده نتوانسته‌ام در آن حدّ که مولوی را می‌شناسم، او را مثل فرقه‌های صوفیه بنگرم. آری! معلوم است که به گفته‌ی او: «هر کسی از ظنّ خود شد یارِ من / از درون من نجست اسرار من.» موفق باشید